

پاسخنامه تشریحی

- ۱

جمع مکسر	مثنی مؤنث	مفرد مؤنث	جمع مؤنث	مفرد مذکر	جمع مذکر
أصدقاء	طالبان	شاکره	مُسلمات	جالس	ناجحون

۱-۲. ارزش انسان به عقلش است.

۲. عقل شمشیری برنده است.

۳. عقل، حفظ کردن تجربه هاست.

۴. نتیجه عقل، مدارا کردن با مردم است.

۵. نهایت عقل، اعتراف به نادانی است.

۳- ۱. أَأَنْتِ بِجَمْعِ الْفَوَاكِهِ بَعْدَ يَوْمَيْنِ؟ بَدَأْتُ تَبَدَّيْنِ ■

آیا تو شروع می کنی به جمع کردن میوه ها دو روز بعد؟

۲. أَأَنْتِ الْبَابَ قَبْلَ دَقِيقَتَيْنِ؟ تَطَرَّقُ طَرَقْتَ ■

آیا تو کوییدی در را دو دقیقه قبل؟

۳. أَنَا عَنِ طَرِيقِ الْجَنَّةِ فِي حَيَاتِي بَحَثْنَا أَبْحَثُ ■

من می گردم دنبال راه بهشت در زندگی

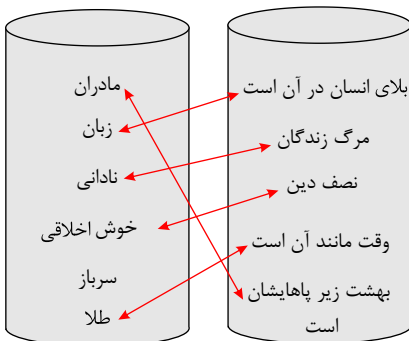
۴. يَا أُخْتِي، هَلْ التُّفَّاحَةَ قَبْلَ دَقِيقَةٍ؟ شَرِبْتُ أَكَلْتُ ■

ای خواهرم، آیا خوردی سیب یک دقیقه قبل؟

۵. أَأَنْتِ فِي الْمَصْنَعِ أُمْسٍ؟ تَعْمَلِينَ عَمِلْتِ ■

آیا تو کار کردی در کارخانه دیروز؟

- ۴



- ۵

درست نادرست

۱. قَلِيلٌ مِنْ أَسْمَاءِ الْأَوْلَادِ وَ الْبَنَاتِ فِي الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ عَرَبِيٌّ .

تعداد کمی از اسم‌های پسران و دختران در جهان اسلام عربی است.

۲. كَتَبَ سَيبويهِ أَوَّلَ كِتَابِ كَامِلٍ فِي قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ

نوشت سیبویه اولین کتاب کامل در قواعد زبان فارسی

۳. كَتَبَ الْفِيروزآباديُّ مُعْجَمًا فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

نوشت فیروزآبادی لغت‌نامه‌ای در زبان عربی

۴. الْإِيرَانِيُّونَ خَدَمُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ قَلِيلًا.

ایرانی‌ها خدمت کردند به زبان عربی کم

۶- کدام کلمه از نظر معنایی یا دستوری با بقیه کلمات ناهماهنگ است؟

 ۱. مَصْنَعٌ مَكْتَبَةٌ مَدْرَسَةٌ مَلِكٌ

کارخانه کتابخانه مدرسه فرمانروایی کرد

 ۲. شَعْرَنٌ لَاعِبُونَ فَاعِلِينَ مَدْرَسَاتٌ

احساس کردند بازیکنان انجام‌دهندگان معلم‌ها

 ۳. رَحِمَ خَافَ وَرَاءَ نَصَرَ

رحم کرد ترسید پشت یاری کرد

 ۴. رَجُلَانِ حَدَائِقَ أَشْجَارَ قَوَاقِهَ

دو مرد باغ‌ها درختان میوه‌ها

 ۵. هَرَبَ هَذَا ذَلِكَ هَذِهِ

فرار کرد این آن این

 ۶. أَنَا وَرْدَةٌ أَنْتَ هُمْ

من گل تو آن‌ها

 ۷. صَوْرَةٌ لِمَاذَا كَيْفَ مَنْ

عکس چرا چگونه چه کسی

 ۸. وَقَعَ قَذَفَ رُبًّا سَلَّمَ

افتاد انداخت چه بسا سالم ماند



قَرَح ≠ حَزَن	مَنْزِل = بَيْت	أُمٌّ = وَالِدَةٌ
شاد شد ≠ ناراحت شد	خانه = خانه	مادر = مادر
وَرَاء = خَلْف	أَبٌ = وَالِدٌ	دَهَبٌ ≠ رَجَعَ
پشت = پشت	پدر = پدر	رفت ≠ برگشت
بَعِيد ≠ قَرِيب	كَبِيرٌ ≠ صَغِيرٌ	عُدْوَانٌ = عَدَاوَةٌ
دور = نزدیک	کوچک = بزرگ	دشمنی = دشمنی
عَدٌ ≠ أَمْسٍ	بُسْتَانٌ = حَدِيقَةٌ	جَمِيلٌ ≠ قَبِيحٌ
فردا = دیروز	باغ = باغ	زیبا = زشت

(ب) قلیل ≠ کثیر غالیة ≠ رخیصة یمین ≠ یسار بدایة ≠ نهایة
کم زیاد گران ارزان راست چپ شروع پایان
آخر ≠ اول حار = بارد تحت ≠ فوق سوء ≠ حسن
آخر اول گرم سرد زیر بالا بدی خوبی

- ۸

أَنْتِنِ كَتَبْتِنِ دَرَسَكُنِ .
أَنْتُمَا ذَكَرْتُمَا صَدِيقَكُمَا .
هُم رَفَعُوا أَيْدِيَهُمْ .
هُنَّ وَصَلْنَ إِلَى غُرْفَتِهِنَّ .
هُمَا قَرَبَا مِنْ قَرَيْتِهِمَا .
هُمَا وَحَدَّثَا مِفْتَاحَهُمَا .

شما درستان را نوشتید.
شما دوستتان را یاد کردید.
آن‌ها دست‌هایشان را بالا بردند.
آن‌ها به اتاقشان رسیدند.
آن دو به روستایشان نزدیک شدند.
آن دو کلیدشان را یافتند.